

مناسبات ایرانِ عصر افشاریه با قدرت‌های خارجی در خلیج فارس

حمید اسدپور^۱

حسین اسکندری^۲

چکیده

خلیج فارس به عنوان یک شاهراه تجاری مهم است که در طول تاریخ، نقطه اتصال بسیاری از اقوام بود. تأثیر این پدیده جغرافیایی و پیوند آن با مسائل ایران به صورتی است که هر گاه روند تجاری ایران در خلیج فارس از ساختار منطقی برخوردار بوده، جامعه ایران از آن بهره‌مند گشته است و هر گاه این مناسبات دچار گسست شده است، پیامدهای منفی آن به جامعه ایرانی آسیب زده است. با سقوط صفویه، تجارت در ایران و خلیج فارس دچار رکود گردید و زمینه قدرت‌گیری برخی حکام محلی فراهم شد. ظهور نادر افشار موجب ایجاد وحدت و امنیت در ایران گردید و این مسأله بر تحولات سیاسی و اقتصادی خلیج فارس نیز تأثیرگذار بود. تلاش‌های نادر شاه در ارتباط با قدرت‌های حاضر در خلیج فارس، جهت رونق بخشیدن به اوضاع اقتصادی ایران و همچنین بهره بردن از آنان به منظور ایجاد یک ناوگان دریایی قدرتمند بود که با قتل نادر شاه بسیاری از تلاش‌های او جهت احیای سلطه سیاسی و اقتصادی ایران بر خلیج فارس متوقف شد. این پژوهش، کوششی جهت بررسی و تحلیل مناسبات سیاسی و اقتصادی ایرانِ عصر افشاریه با قدرت‌های خارجی در خلیج فارس است.

❖ واژگان کلیدی

ایران، افشاریه، قدرت‌های خارجی، مناسبات، خلیج فارس

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۰/۲۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۲۶

^۱. مدیر گروه تاریخ دانشگاه خلیج فارس بوشهر (نویسنده مسئول مقاله) Asadpour22@gmail.com

^۲. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه خلیج فارس بوشهر hoesh1355@gmail.com

مقدمه

خلیج فارس و در تداوم آن، دریای عمان از مهم‌ترین مناطق قابل کشتیرانی در جنوب غربی آسیا و حتی جهان است. این دو منطقه که در زمره مهم‌ترین دریاهای گرم محسوب می‌شوند، اهمیت بسیار زیادی در تاریخ ایران و جهان داشته‌اند. در طول تاریخ بهره‌برداری از این دریاها به ویژه در زمینه بازرگانی، خلیج فارس را به عنوان یکی از پر منفعت‌ترین آبراه‌های تجاری جهان در آورده است. علیرغم ناامنی و آشوب‌های فراوان در ادوار مختلف تاریخ ایران، باز هم اهمیت سیاسی و اقتصادی خود را حفظ نموده است، چنانکه در دوره پراشوب مغول و تیموریان، بهره‌برداری تجاری از خلیج فارس و از جمله جزیره هرمز اهمیت و جایگاه خاصی داشت و به حیات تجاری ایران و دیگر اقوام مختلف، رونق و بالندگی خاصی بخشیده بود. ورود استعمارگران به خلیج فارس، اوضاع سیاسی و اقتصادی آن را تحت تأثیر قرار داد. علاوه بر استعمارگران غربی، حکومت مسلمان عثمانی نیز توجه خاصی به خلیج فارس و منافع فراوان آن داشت. با ضعف حکومت صفویه و سپس حکومت افغانه بر بخش‌هایی از ایران که حاصل آن از هم پاشیدگی اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران و رواج پدیده ناامنی بود، تجارت در خلیج فارس نیز دچار رکود گردید.

ظهور نادر افشار و ایجاد وحدت سیاسی همراه با برقراری امنیت، موجب بازگشت رونق اقتصادی خلیج فارس شد. اقدامات نادر شاه به ویژه بنیانگذاری ناوگان دریایی ایران که زمینه‌ساز احیای اقتدار و سلطه ایران بر کرانه‌های خلیج فارس گردید، بسیار حائز اهمیت است. قتل نادر شاه و درگیری‌ها و منازعات جانشینان وی و مدعیان کسب قدرت در سراسر ایران، نه تنها آثاری مهم بر اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران داشت، که اوضاع سیاسی و اقتصادی خلیج فارس نیز تحت تأثیر آن قرار گرفت. این پژوهش بر آن است که روابط و مناسبات ایران عصر افشاریه در خلیج فارس را بررسی و تحلیل نماید و سؤالات اساسی این است که روابط نادر شاه با قدرت‌های خارجی در خلیج فارس بر چه اساسی استوار بود؟ این روابط چه پیامدهای سیاسی و اقتصادی در خلیج فارس داشته است؟

همچنین قتل نادر شاه چه تأثیری بر این مناسبات داشته است؟ به نظر می‌رسد که نادر شاه روابط خود با این قدرت‌ها را بر اساس بهره‌برداری متقابل بنیان نهاد. این روابط باعث احیای قدرت سیاسی و اقتصادی ایران در خلیج فارس و نیز رونق تجاری و اقتصادی بنادر ایرانی گردید. همچنین قتل نادر شاه و ظهور مدعیان قدرت، باعث آشفتگی در روابط ایران با قدرت‌های حاضر در خلیج فارس شد که ظهور تمرکززدایی در عرصه سیاسی خلیج فارس را به همراه داشت. در عرصه اقتصادی نیز، جابجایی کانون‌های تجاری از بنادر ایرانی به بنادر عربی از پیامدهای مهم این مسأله است. پژوهش حاضر، مبتنی بر روش توصیفی و تحلیلی به شیوه‌ای توأمان است که با گردآوری داده‌ها و شواهد و همچنین گزینش و ارزیابی به تحلیل و استنتاج از این داده‌ها پرداخته شده است.

مناسبات و روابط حکومت صفویه در خلیج فارس

ظهور حکومت صفویه و سقوط آن، آثاری مهم بر ایران داشته است و خلیج فارس نیز از این تأثیرات به دور نمانده است. به همین دلیل، شناخت مناسبات، روابط و نیز تحولات سیاسی و اقتصادی خلیج فارس در دوره‌های پس از صفویه، مستلزم شناخت ریشه‌های آن در دوره صفویه است، زیرا بسیاری از اقدامات حکام و قدرت‌های بین‌المللی و تحولات دوره افشاریه، پیامد تحولات دوره صفوی است.

در سال‌های آغازین حکومت صفوی، استعمارگران پرتغالی با انگیزه‌های تجاری و مذهبی وارد مشرق زمین شدند. از زمان جنگ‌های صلیبی به بعد، این تصور در اروپا رواج یافته بود که مملکتی نصرانی در قلب اسلام و بین چین و آفریقا واقع است و تلاش پرتغالی‌ها جهت سلطه بر چنین مملکتی بوده است (سلمان، ۲۰۰۱: ۲۵). آنها به تدریج موفق به تسلط بر شاهراه‌های تجاری شدند و سلطه‌شان بر این راه‌ها چنان بود که خود را خداوند فتح و کشتیرانی و تجارت می‌نامیدند؛ پاپ هم این لقب را برای آنها تصویب نمود (ویلسن، ۱۲۴: ۱۳۶۶). آلبوکرک از سران نظامی پرتغال به اهمیت تجارت در خلیج فارس پی برد و به ویژه فتح هرمز را جهت توسعه‌طلبی پرتغالی‌ها بسیار ضروری

می‌دانست (جلالی، ۱۳۸۷: ۱۴۶). ورود آلبوکرک به خلیج فارس از همان آغاز با خشونت همراه بود. او به نابودی تجارت مسلمانان، سوزاندن کشتی‌های آنان، به اسارت گرفتن تجار و غارت اموال‌شان به بدترین شکل ممکن اقدام نمود (سلمان، ۲۰۰۱: ۱۷۱-۱۷۰). تلاش‌های سیف‌الدین حاکم هرمز به همراه وزیر و مشاورش خواجه عطاء، در برابر پرتغالی‌ها فایده‌ای نداشت. چنانکه خواجه عطاء تلاش نمود تا با تهدید پرتغالی‌ها و نشان دادن آمادگی نیروهای هرمز، پرتغالی‌ها را وادار به عقب‌نشینی کند. وی در نامه‌ای به آلبوکرک اعلام نمود «سنابیق بر روی آب می‌گردانی که نمی‌گذارم لشکر به اندرون بیاید. به عنایت الله تعالی از لشکر و آذوقه و اسباب کمی نیست، اگر باور ندارید، معتمد بفرست تا تمام مشاهده نماید» (قائم مقامی، ۱۳۶۹: ۶۴۸). علیرغم این تلاش‌ها، هرمز به تصرف پرتغالی‌ها در آمد و قرارداد سنگینی بر حاکم هرمز تحمیل گردید. در این نبردها نقش اسلحه گرم و قدرت توپخانه پرتغالی‌ها کاملاً مشاهده می‌شود، چنانکه قدری سراینده جرون نامه نیز به آن اشاره نموده است:

در این جزو دوران و توپ و تفنگ شده عرصه بر مرد و مردانه تنگ
به جنگی که توپ و تفنگ است یار دلیری و مردی نیاید به کار

(جنگ نامه کشم و جرون نامه، ۱۳۸۴: ۴۱)

پس از آلبوکرک نیز رکود تجارت در خلیج فارس و به ویژه جزیره هرمز تداوم یافت که نتیجه اقدامات پرتغالی‌ها، انحصار تجارت از سوی آنان و تقاضاهای فزاینده پرتغالی‌ها از حاکمان مناطقی مانند حاکم جزیره هرمز بود (قائم مقامی، ۱۳۶۹: ۶۵۷). قیام‌های مردم کرانه‌های خلیج فارس علیه پرتغالی‌ها نیز به علت برتری و قدرت اسلحه گرم پرتغالی‌ها و خیانت برخی از سران عرب، مانند سلطان بن مسعود و حسین بن سعید از سران بنی جبور با شکست مواجه گردید (اسدپور، ۱۳۹۲: ۱۵).

از آغاز دوره صفویه تا پایان سلطنت محمد خدابنده، به دلیل کشمکش‌های قبیله‌ای درون قلمرو صفوی و همچنین منازعات و نبردهای این حکومت با ازبکان و به ویژه عثمانی‌ها

توجه چندانی از سوی حکومت صفوی به خلیج فارس نشد. از زمان سلطنت شاه عباس بود که مسأله خلیج فارس و روابط با قدرت‌های حاضر در این منطقه مورد توجه حکومت صفوی قرار گرفت. در این زمان، مسائل اقتصادی و به خصوص تجارت ابریشم و رونق تجارت آن به عنوان مهم‌ترین منبع کسب درآمد حکومت صفوی، بسیار حائز اهمیت بود و تجارت این کالا توسط اروپائیان از مسیر خلیج فارس بر اهمیت این راه تجاری می‌افزود. در این دوره که پرتغالی‌ها نیز نسبتاً در موضع ضعف قرار داشتند، صفویان با تصرف لار و بحرین، زمینه آزادسازی دیگر مناطق مهم تحت سلطه پرتغالی‌ها را فراهم نمودند. تصرف این مناطق، قدرت تدارکاتی پرتغالی‌ها در خلیج فارس را کاهش داد (امین، ۱۳۷۰: ۱۷).

در سال ۱۰۲۲ق. امامقلی خان که به عنوان حاکم فارس، جانشین پدرش الله وردیخان شده بود، موفق به تصرف بندر گمبرون گردید و این بندر را از تصرف پرتغالی‌ها خارج کرد؛ بندری که در آن بیشترین عوارض گمرکی و حق‌العبور توسط پرتغالی‌ها از کشتی‌های دیگر گرفته می‌شد (فلسفی، ۱۳۹۲: ۸۹۸). سرانجام جزیره هرمز نیز به تصرف صفویان در آمد؛ هر چند شاه عباس آن را از رونق انداخت و گمبرون با عنوان بندرعباس جایگزین آن شد. شاه عباس پس از شکست دادن پرتغالی‌ها، اقدام به انعقاد قراردادهای متعددی با کمپانی‌های اروپائی مانند شرکت‌های انگلیسی و هلندی نمود. با وجود آنکه هدف وی رونق بخشیدن به مسائل اقتصادی و تجاری بود، اما ضعف نیروی دریایی ایران نیز در بستن این قراردادها مؤثر بود؛ قراردادهایی که در آنها به نوعی می‌توان کاپیتولاسیون را مشاهده نمود (اسدپور، ۱۳۹۴: ۳۵).

پس از شاه عباس، باری دیگر ضعف ایران در خلیج فارس آشکار گردید؛ حملات هلندی‌ها به جزایر ایرانی مانند جزایر کیش و قشم در زمان حکومت شاه صفی و شاه عباس دوم و تحت فشار قرار دادن حکومت صفوی جهت رسیدن به خواسته‌های تجاری خود، گواهی بر این مدعا است (نوابی، ۱۳۷۷: ۱۷۶). بی‌کفایتی دربار صفوی در دوره شاه سلطان حسین باعث گسترش شورش‌ها و در نتیجه فقدان امنیت در درون قلمرو صفوی و حتی کرانه‌های خلیج فارس شد. حملات غارتگرانه اعراب مسقط، همراه با ناامنی در پس

کرانه‌های خلیج فارس باعث رکود اوضاع اقتصادی خلیج فارس گردید. چنانکه اعراب مسقط بارها مناطقی مانند بحرین، قشم، لارک و هرمز را غارت نمودند (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۱۵۲). جالب آنکه حکومت صفوی اقدام به ارسال نیروهایی جهت مقابله با اعراب مسقط نمود که هیچ گونه تجربه دریانوردی نداشتند و با تحمل شکست‌های سنگینی مجبور به عقب‌نشینی شدند (همان: ۴۵-۴۴). تلاش‌های دربار صفوی جهت ایجاد ارتباط با دول بیگانه و بهره بردن از نیروهای آنان برای احیای قدرت و حاکمیت ایران در خلیج فارس هم بی‌نتیجه ماند. حال با توجه به اوضاع خلیج فارس در اواخر دوره صفویه و تداوم آن به شکل بدتری در دوره سلطه افغانه بر ایران، می‌توان به درک بهتری از اقدامات حکومت افشاریه جهت ایجاد ارتباط با قدرت‌های حاضر در خلیج فارس و تلاش جهت احیای حاکمیت ایران بر کرانه‌های آن رسید، همچنین می‌توان به شکل دقیق‌تری تأثیرات قتل نادر شاه بر این مناسبات و روابط را ترسیم نمود.

مناسبات نادر شاه با قدرت‌های خارجی در خلیج فارس

سلطنت نادر شاه و اقدامات وی در زمانی که حکومت صفویه به شکل تحقیرآمیزی سقوط نمود و ایران تحت سلطه افغانه و دیگر نیروهای بیگانه در آمد، بسیار حائز اهمیت است. نادر افشار در شرایطی به سلطنت رسید که ایران گرفتار گسترش آشوب و ناامنی رکود تجارت و بازرگانی و تجزیه گردیده بود و به نوعی دوران ملوک‌الطوایفی را سپری می‌نمود (استرابادی، ۱۳۷۷: ۲۰). رشد و شکوفایی بندر بصره، تسلط کمپانی‌های هند شرقی انگلیس و هلند بر بنادر ایرانی خلیج فارس، تسلط اعراب هوله بر بحرین و هجوم‌های پیاپی اعراب مسقط به کرانه‌های خلیج فارس، از مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره است (کروسینسکی، ۱۳۶۳: ۴۴).

نادر شاه پس از آنکه وحدت سیاسی را به ایران بازگرداند، در پی احیای تجارت و بازرگانی و به صورت کلی رونق اقتصادی ایران بر آمد و قدر مسلم، خلیج فارس در این مسأله نقش اساسی و حیاتی ایفاء می‌نمود. وی از همان آغاز اخراج افغانه از اصفهان، به

امور اقتصادی توجه نمود و نخستین تماس‌های او با کمپانی‌های تجاری اروپایی از همان زمان آغاز شد (فلور، ۱۳۶۸: ۱۳۰). نادر شاه همچنین پس از اخراج افغانه، در شهر اصفهان به دلجویی از مقامات و نمایندگان کمپانی‌های تجاری پرداخت و «در نخستین رویارویی با تجار اروپایی، آنها را مورد تشویق قرار داد» (امین، ۱۳۷۰: ۳۳). به همین دلیل، کمپانی‌های اروپایی بعد از مدتی از نادر شاه تقاضای تجدید و تأیید امتیازاتی داشتند که از دوره صفویه به آنها واگذار شده بود. این مسأله بیانگر تسلط نادر شاه بر اوضاع ایران، احیای حکومت مرکزی و نیز اهمیت جایگاه تجاری خلیج فارس برای اروپائیان است. لوریمر گزارش داده است که «بر خلاف دوره پادشاهی شاه سلطان حسین صفوی که تجارت در خلیج فارس کاهش یافته بود، با ظهور نادر شاه، تجارت در این منطقه باری دیگر جان تازه‌ای گرفت» (لوریمر، ۱۹۷۱: ۱۴۰).

از سوی دیگر، نادر شاه به مسائل سیاسی خلیج فارس که تأثیرگذار بر مسائل اقتصادی و تجاری بود، نیز اهمیت می‌داد؛ چنانکه وی خواهان یکپارچگی مناطق ایران در کرانه‌های خلیج فارس بود. در این زمان، بخش‌هایی از خاک ایران مانند بحرین که لطفعلی‌خان داغستانی به عنوان کارگزار حکومت صفوی، با پرداخت مبالغی به اعراب مسقط، موفق به رهایی آن از سلطه این اعراب شده بود، با سقوط حکومت صفویه به دست اعراب هوله افتاد و فرماندهی آنها به عهده شیخ جبار بود (سلوت، ۱۹۹۳: ۲۴۴). نادر شاه با اعزام لطیف‌خان به خلیج فارس و اعطای منصب درباسالاری به وی نشان داد که هیچ‌گاه اهمیت خلیج فارس را فراموش نکرده است. در این برهه، کمپانی‌های اروپایی نیز از اقدامات نادر شاه خرسند بودند، چنانکه آنها از پرداخت باج و خراج‌های فراوان به افغانه رهایی یافته بودند (اسدپور، ۱۳۸۷: ۱۲۹) و از سوی دیگر، امیدوار به رهایی از اقدامات اعراب مسقط بودند که لوریمر، اقدامات آنان را «راهزنی دریایی» نامیده است (لوریمر، ۱۹۷۱: ۱۵۴).

نادر شاه به جز معدود مواردی، سعی در جلب حمایت کمپانی‌های تجاری اروپایی و ایجاد روابط مناسب با آنها داشت. از جمله این موارد معدود که باعث خشم وی از

انگلیسی‌ها گردید، مربوط به ماجرای حمله لطیف‌خان به بصره و شکست او به دلیل کمک انگلیسی‌ها به قوای حاکم بصره بود (هنوی، ۱۳۷۶: ۳۱۱). چنانکه پاشای بصره از حمایت کشتی‌های انگلیسی به نام‌های رویال جرج^۱ و دین فریگیت^۲ که دارای توپ‌های ساحلی بودند، استفاده کرد و در نتیجه نیروهای ایرانی با تحمل تلفاتی عقب‌نشینی کردند (نوایی، ۱۳۶۶: ۵۷۳). یکی از دلایل همراهی نادر شاه با کمپانی‌های اروپایی، علاوه بر رونق بخشیدن به امر تجارت، امیدواری او به مساعدت این کمپانی‌ها در تشکیل ناوگان دریایی ایران بود. هر چند لوریمر، دلیل همراهی نادر شاه با این کمپانی‌ها به ویژه کمپانی هند شرقی انگلیس را پیام‌های شادباش رؤسای این کمپانی در بمبئی به نادر شاه جهت به سلطنت رسیدن او می‌داند (لوریمر، ۱۹۷۱: ۱۴۶). در حالی که او غافل از این موضوع است که هدف نادر شاه، بهره بردن از این کمپانی‌ها جهت تأسیس ناوگان دریایی و تحقق اهدافش بود.

اقدامات نادر شاه جهت تأسیس ناوگان دریایی که موجب کنترل امور خلیج فارس از سوی حکومت مرکزی ایران می‌گردید، از جمله مسائلی است که با استقبال اروپائیان روبرو نشده است. آنها تلاش‌های حکومت ایران در این مورد را امری بیهوده قلمداد نموده‌اند (کرزن، ۱۳۷۳: ۴۷۳) و این اقدام نادر شاه، باعث حدس و گمان‌های متفاوتی از سوی مورخان نیز شده است. چنانکه برخی، آن را ناشی از شورش‌های اعراب ساکن کرانه‌های خلیج فارس و لزوم برخورداری از ناوگان دریایی جهت سرکوب آنها دانسته‌اند (رائین، ۱۳۵۶: ۶۳۵). برخی دیگر، آن را ناشی از بلندپروازی و جاه‌طلبی نادر شاه برشمرده‌اند (امین، ۱۳۷۰: ۳۰) و البته عده‌ای نیز آن را ناشی از راهنمایی‌های خارجی‌ان می‌دانند (شعبانی، ۱۳۶۵: ۴۱۲). بدون شک، آگاهی نادر از گسترش قدرت دریایی اروپائیان، در تشویق وی به ایجاد نیروی دریایی بسیار مؤثر بوده است. چنانکه بازن، کشیش مسیحی و پزشک نادر شاه اشاره می‌کند: «هنگامی که وی از نیروی دریایی

¹. Royal George

². Dean Frigate

اروپائیان سخنانی شنید، فوراً برای داشتن یک بحریه در اقیانوس و دریای قزوين طرح‌ریزی کرد» (بازن، ۱۳۶۵: ۴۳).

به هر روی اقدام نادر شاه جهت راه‌اندازی ناوگان دریایی ایران در خلیج فارس بسیار تحسین‌برانگیز است؛ اقدامی که مهم‌ترین پیامدش، گسترش و تعمیق امنیت در کرانه‌های خلیج فارس بود. از سوی دیگر، این اقدام از لحاظ روانی نیز این اطمینان را به صاحبان سرمایه داد تا با آرامش به گسترش تجارت خود با ایران بپردازند (اسدپور، ۱۳۸۷: ۱۵۴). بنابراین، بخشی از روابط خارجی ایران در دوره نادر شاه در زمینه تأسیس نیروی دریایی بوده است، چرا که وی در راستای احیای حاکمیت ایران در خلیج فارس و سرکوب شورش‌هایی مانند شورش محمدخان بلوچ، نیازمند نیروی دریایی بود. لطیف‌خان، به عنوان نماینده نادر در امور مربوط به خلیج فارس و نیروی دریایی، به مذاکره با کمپانی‌های هند شرقی انگلیس و هلند پرداخت تا از مساعدت آنها بهره‌مند شود. آنان از واگذاری کشتی‌های جنگی به جز در مورد سرکوب محمدخان بلوچ خودداری کردند (نوایی، ۱۳۶۶: ۵۷۱). عدم همراهی کمپانی‌های اروپایی با نادرشاه در راستای تأسیس نیروی دریایی باعث حمایت وی از کشتی‌سازان سنتی مانند کشتی‌سازان بندر کنگ شد (وثوقی، ۱۳۹۰: ۳۱۲). نادر شاه همچنین دستور داد تا جهت تهیه توپ و تفنگ مورد نیاز کشتی‌ها و سربازان، در کارخانه‌های توپ‌ریزی بندرعباس، توپ‌هایی ساخته شود و نیروی ایران در حمله دریایی به عمان از این توپ‌ها استفاده کرد (مروی، ۱۳۶۴: ۶۸۱). افزون بر آن، نادر شاه موفق به خریداری یک کشتی موسوم به پنتا^۱ از یک انگلیسی به نام ودل^۲ و کشتی دیگری به نام روپرال^۳ از یک انگلیسی دیگر به نام کوک شد (نوایی، ۱۳۶۶: ۵۷۲).

1. Panta

2. Weddle

3. Ruperall

مسأله دیگری که باعث اهمیت یافتن خلیج فارس برای نادر شاه و ارتباط وی با قدرت‌های حاضر در این منطقه گردید، جابجایی کانون‌های تجاری و دریانوردی خلیج فارس در اواخر دوره صفویه و به ویژه در زمان حکومت افغانه بر ایران بود. چنانکه نامنی‌های ایران باعث شد که بندر بصره مورد توجه تجار، دریانوردان و کمپانی‌های تجاری غربی واقع شود و اقتصاد و تجارت آن بندر در مسیر رشد و شکوفایی قرار گیرد (A chronicle of Carmelites in Persia 1939: 538). همچنین مراکز دیگری مانند مسقط که در اختیار اعراب بود، به سبب حملات آنان و ناامن شدن بندرعباس به شکل وسیعی رونق یافت. به همین دلیل، کانون‌های تجاری از ایران و کرانه‌های شمالی به سواحل جنوبی خلیج فارس منتقل شد؛ امری که خوشایند نادر شاه نبود (اسدپور، ۱۳۸۷: ۱۳۶). بر همین پایه بود که نادر شاه با انتخاب بندر بوشهر به عنوان مقر ناوگان دریایی خود، زمینه‌های رشد و شکوفایی بندری را پی‌ریزی کرد که: «بر جای ویرانه‌های لیان باستانی و ریشهر قدیمی قرار داشت و مقرر بود که بیش از دو قرن، مرکز مهم تجاری ایران در خلیج فارس باشد (رائین، ۱۳۵۶: ۶۳۲). به این ترتیب، مقامات کمپانی‌های اروپایی نیز تمایل یافتند که دفاتر و نمایندگی‌های تجاری خود را از حوزه سفلی خلیج فارس به نقاط مرکزی و شمالی آن انتقال دهند تا از تهدیدات قوای دریایی اعراب مسقط در امان بمانند (اسدپور، ۱۳۸۷: ۱۳۸).

نادر شاه با توجه نشان دادن به روابط عمیق با کمپانی‌های تجاری، رونق اقتصادی را به خلیج فارس و ایران بازگرداند. این توجه نادر به امور اقتصادی چنان است که حتی جونس هنوی که بسیاری از اتهامات به نادر از سوی او مطرح شده است، اعلام می‌کند: «نادر، خواه در اثر سیاست و خواه انگیزه‌های دیگر، گاهی علاقه خود را به عدالت نشان می‌داد. عدالتی که وی در مورد بازرگانان انگلیسی رعایت کرد. زیرا او دستور داد تا معادل زیان‌هایی که به آنان وارد شده است، به آنها پرداخت شود» (هنوی، ۱۳۶۵: ۲۹۲). این اقدامات نادر شاه موجب بازگشت رونق به بنادر ایران مانند بندرعباس شد. لوریمر اشاره می‌کند که تاجران و بازرگانانی که بر اثر فشارهای گوناگون افغانه و

اجحافات حکام محلی از بندرعباس رفته بودند، با سیاست‌های نادر شاه دوباره به ایران بازگشتند، زیرا نادر شاه آنان را قانع نموده بود (لوریمر، ۱۹۷۱: ۱۵۹). اروپائیان نیز به این نکته واقف بودند که بنادر ایران می‌تواند برای آنان نسبت به مناطق دیگر سودآورتر باشد، زیرا بنداری مانند بندر بوشهر به بازارهای گسترده در پس کرانه‌های خود متصل بودند. به هر حال، نادر شاه ضمن بازگرداندن رونق اقتصادی به بنادر ایران در خلیج فارس، زمینه‌های گسترش قدرت ایران در کرانه‌های خلیج فارس را فراهم نمود. روابط نادر شاه با کمپانی‌های حاضر در خلیج فارس بر اساس بهره‌برداری متقابل و دوگانه بود. به واقع هدف نادر شاه واگذاری امتیازات سابق به این کمپانی‌ها، جهت گسترش رونق اقتصادی ایران بود و اوج این مناسبات در اقدام وی جهت تأسیس ناوگان دریایی ایران متجلی شد. در راستای همین مناسبات و سیاست‌های تشویقی نادر شاه بود که دفاتر تجاری این کمپانی‌ها در ایران دوباره بازگشایی شد و آنان نیز از منافع سرشاری بهره‌مند می‌شدند (شعبانی، ۱۳۶۵: ۴۷۳-۴۵۳).

قتل نادر شاه و مناسبات سیاسی و اقتصادی در خلیج فارس

قتل نادر شاه در یازدهم جمادی الثانی ۱۱۶۰ق. توسط محمد بیگ قاجار ایروانی، موسی بیگ افشار، قوجه بیگ افشار ارومی و حسن بیگ شاهوار با اشاره علی قلی خان و تمهیدات صالح خان ابیوردی و محمد قلی خان افشار روی داد (استرآبادی، ۱۳۷۷: ۴۲۶-۴۲۰). قتل او برای ایران و خلیج فارس به عنوان یک واقعه مهم محسوب می‌گردد که ایجاد واحدهای سیاسی جداگانه در خلیج فارس را به دنبال داشت. پس از قتل نادر شاه، رؤسای قبایل و رهبران محلی در جزایر و بنادر خلیج فارس با تصرف بخشی از ناوگان دریایی نادر شاه به تمرکززدایی دامن زدند. چنانکه طایفه بنی‌معین با تصرف بخشی از ناوگان نادر و افزایش قدرت دریایی خود، حاکم بلامنازع قشم گردیدند (وئوقی، ۱۳۹۰: ۳۲۱). برخی دیگر مانند ملاعلی شاه که از افسران نیروی دریایی نادر شاه بود،

به رقابت با دیگر قدرت‌ها برخاست (همان: ۳۳۶). به طور کلی می‌توان بازیگران محلی مهم در امور سیاسی خلیج فارس را به صورت زیر برشمرد:

۱- اعراب هوله که در منطقه‌ای بین بندر کنگان تا بنادر کنگ و چارک و حتی بحرین مستقر بودند. ۲- اعراب جواسم که بر بندر جلفار تسلط داشتند. ۳- اعراب بنی‌معین که در جزیره قشم بودند. ۴- ملا علی شاه که در بندرعباس تمرکز یافته بود. ۵- احمد بن سعید که با شورش بر عمان سلطه یافته بود. ۶- میر ناصر بوشهری حاکم بوشهر. ۷- میر ناصر ریگی حاکم بندر ریگ. ۸- قبایل بنی‌کعب که در شمال خلیج فارس مستقر بودند. ۹- آل عتوب که در کویت ساکن شده بودند. ۱۰- حکومت بصره که توسط عثمانی‌ها اداره می‌شد. ۱۱- منطقه لارستان و حاکم آن، نصیرخان لاری. ۱۲- کمپانی‌های هند شرقی انگلیس و هلند.

رقابت‌های این عناصر مختلف سیاسی منجر به پیروزی چهار گروه گردید که عبارت بودند از: ۱- احمد بن سعید حاکم محلی عمان و بنیانگذار خاندان آل بوسعید در عمان (سدیدالسلطنه، ۱۳۷۰: ۳۳۲). ۲- میر ناصر بوشهری حاکم بوشهر (گرمون، ۱۳۷۸: ۵۳). ۳- خاندان بنی عتوب در کویت (کریستال، ۱۳۷۸: ۳۳۱). ۴- جواسم در جلفار (العابد، ۱۹۷۶: ۷۵). قتل نادر شاه و پس از آن منازعات جانشینان وی، آثاری مهم بر مناسبات ایران با قدرت‌های حاضر در خلیج فارس و در نتیجه اقتصاد آن منطقه داشت. پس از قتل نادر شاه، کمپانی‌های تجاری تلاش نمودند تا مناسبات خود را با قدرت‌های محلی گسترش دهند؛ چنانچه کمپانی‌های هند شرقی انگلیس و هلند، روابط مناسب و گسترده‌ای با ملا علی شاه برقرار ساختند. ملا علی شاه از افسران نیروی دریایی نادر شاه بود که قدرت قابل توجهی در بندرعباس داشت. مناسبات او با این کمپانی‌ها چنان بود که وی با کمک کمپانی هند شرقی هلند موفق شد از حضور نمایندگان عادلشاه افشار در بندرعباس آگاهی یافته و از اسارت خود توسط آنان رهایی یابد (فلور، ۱۳۷۰: ۱۸۵). انگلیسی‌ها نیز به دلیل قدرت فراوان ملا علی شاه در بندرعباس، اطاعت قوای دریایی از وی و همچنین تسلط او بر سواحل هرمز، روابط خود را با ملا علی شاه توسعه دادند. قدرت وی چنان بود که حتی شاهرخ میرزای افشار، او را به عنوان نماینده خود در بندرعباس معرفی نمود (سلوت، ۱۹۹۳: ۳۲۶). هر چند به

تدریج، این روابط کاهش یافت و از جمله دلایل آن، زیاده‌خواهی‌های ملا علی شاه و ظهور قدرت‌های دیگری مانند نصیرخان لاری بود (امین، ۱۳۷۰: ۶۸).

علاوه بر قتل نادر شاه، ضعف و ناتوانی عثمانی‌ها به منظور دخالت در خلیج فارس و همچنین عدم توانایی اروپائیان نیز بر خلاء سیاسی قدرت افزوده بود. چنانکه هلندی‌ها نمی‌توانستند اقدام مؤثری جهت مقابله با برخی ناامنی‌ها انجام دهند و انگلیسی‌ها نیز درگیر جنگ‌های خود با فرانسویان بودند (لوریمر، ۱۹۷۱: ۱۶۹).

مسئله سیاسی دیگر که مقارن با قتل نادر شاه روی داد، آن بود که به دلیل فقدان وجود مناسبات منطقی، اقدامات نادر شاه جهت احیای قدرت و حاکمیت ایران در خلیج فارس دچار انقطاع گردید و حاکمیت ایران بر این شاهراه مهم تجاری به خطر افتاد. از سوی دیگر با پایان یافتن نبردهای انگلیس و فرانسه که به نفع فرانسویان بود، به تدریج زمینه سلطه انگلیسی‌ها بر خلیج فارس و خارج ساختن دیگر قدرت‌ها از این منطقه فراهم آمد.

یکی از مهم‌ترین تأثیرات این مسئله، گسترش ناامنی و عدم ارتباط و مناسبات با کمپانی‌های تجاری و به دنبال آن، تغییر کانون‌های تجاری در خلیج فارس بود. این امر در نتیجه تغییر سیاست سرمایه‌گذاری اروپائیان و به ویژه انگلیسی‌ها و هلندی‌ها و انتقال دفاتر تجاری آنان به بصره صورت گرفت. هاووزن، نماینده واک (کمپانی هند شرقی هلند) در بصره موفق شد با درایت و زیرکی به گسترش تجارت هلندی‌ها در این بندر بیردازد (فلور، ۱۳۷۱: ۴۷-۳۷). در این دوره، غارت دفاتر تجاری کمپانی‌های اروپایی در برخی شهرهای ایران مانند کرمان و اصفهان در انتقال سرمایه‌های آنان به بصره بسیار مؤثر بود (نظامی، ۱۳۸۳: ۱۱۵). همچنین انگلیسی‌ها قصد داشتند تا از مسیر خشکی بین‌النهرین جهت ارسال مراسلات ایک (کمپانی هند شرقی انگلیس) سود جویند (وثوقی، ۱۳۹۰: ۳۴۲).

در این برهه از تاریخ، علاوه بر ناامنی‌های داخلی ایران، نبردهای بین اروپائیان نیز در تغییر کانون‌های تجاری مؤثر بود، چنانکه فرانسویان با حمله به تجارتخانه انگلیسی‌ها در بندرعباس به تخریب بخشی از تجارتخانه پرداختند و محافظان آن را به عنوان اسرای

جنگی محبوس نمودند و به غارت اموال انگلیسی‌ها اقدام کردند (ویلسن، ۱۳۶۶: ۲۰۷). البته باید گفت که فقط بازرگانان اروپایی نبودند که این روند تغییر را انجام دادند، بلکه بسیاری از تجار ایرانی نیز برای خرید پارچه‌های پشمی به بصره می‌رفتند. به این ترتیب سرمایه‌های بازرگانان ایرانی نیز به بصره منتقل می‌گردید (وثوقی، ۱۳۹۰: ۳۵۵). با اینکه در زمان نادر شاه تلاش شده بود تا بنادر ایرانی رونق یابند، پس از قتل او محور بصره-مسقط فعال گردید و یکی از دلایل حمله کریم خان زند به بصره نیز همین مسأله بود.

در این زمان، هلندی‌ها متوجه ضعف ایران در خلیج فارس بودند و تلاش داشتند با کنترل جزیره خارک که بر سر راه تجارت بصره با مسقط و هندوستان بود، امور بازرگانی خلیج فارس را تحت سلطه خود در آورند: اقدامی که جزو آخرین اقدام‌های مهم هلندی‌ها در خلیج فارس محسوب می‌شود (فلور، ۱۳۷۱: ۸). هاوژن نماینده واک در بصره معتقد بود که با تصرف خارک و همچنین بحرین، منافع هلندی‌ها در خلیج فارس تضمین می‌گردد و از سوی دیگر آنها از صنعت صید مروارید بهره‌مند می‌شوند (اسدپور، ۱۳۸۷: ۱۹۱).

در چنین شرایطی، هیچ‌گونه اتحادی میان حکام ایرانی وجود نداشت و هر کدام در جلب نظر یکی از کمپانی‌های اروپایی تلاش می‌کردند و نمونه بارز آن، رقابت حکام بنادر بوشهر و ریگ است. شیخ ناصر در بوشهر، سعی در اتحاد با ایک داشت و شیخ ناصر زعابی در بندر ریگ، جهت همکاری با هلندی‌ها اقدام می‌کرد (آل احمد، ۱۳۷۶: ۶۱). علیرغم همه تلاش‌ها و اقدامات هلندی‌ها، باز هم نفوذ انگلیسی‌ها بیشتر شد و کمپانی هند شرقی به سلطه تجاری خود در خلیج فارس تداوم بخشید. هلندی‌ها سیاست کارآمدی در خلیج فارس نداشتند و اکثر دفاتر تجاری خود را در خلیج فارس جز جزیره خارک از دست دادند (اقبال، ۱۳۲۸: ۱۰۹-۱۰۸).

هر چند پس از قتل نادر شاه، کمپانی‌های اروپایی جهت انتقال سرمایه‌های خود به بنادر عربی کوشش می‌کردند، اما برخی از بنادر ایرانی مانند بوشهر تا حدودی رونق خود را حفظ نمودند و با تلاش حکام محلی، دوباره شهرنشینی در خلیج فارس رونق یافت. در حالی که در دیگر مناطق ایران به دلیل آشوب‌های ناشی از رقابت مدعیان

قدرت، آسیب‌های فراوانی به شهرها وارد شد و شهرنشینی دچار عقب‌نشینی گردید (هدایتی، ۱۳۳۴: ۷۱). برخی حکام و رهبران محلی کرانه‌های خلیج فارس سعی کردند تا با سیاست‌های تشویقی به جلب نظر سرمایه‌داران و رونق بازارهای محلی بپردازند. در زمانی که افراد و گروه‌های رقیب در داخل قلمرو ایران، هیچ‌گونه توجهی به خلیج فارس نداشتند (اسدپور، ۱۳۸۷: ۱۸۸)، انگلیسی‌ها توجه خاصی به بندر بوشهر داشتند. نظر آنها بر این بود که این بندر از سه طرف با آب دریا احاطه شده است و از سمت خشکی دارای باروی محکمی با چندین توپ بزرگ است. آنها با انتخاب بندر بوشهر به منظور برخی فعالیت‌های بازرگانی و دریانوردی به رونق این بندر افزودند (ویلسن، ۱۳۶۶: ۲۰۸).

نتیجه

در دوره متقدم صفویه، به دلایل گوناگون و از جمله توجه پادشاهان ایران به خشکی و نه آب‌ها و دریاها و نیز رقابت با عثمانی، توجه چندانی به برقراری روابط با قدرت‌های خارجی در خلیج فارس نشد. در نتیجه پرتغالی‌ها موفق به گسترش سلطه خود در این ناحیه و تغییر تجارت سنتی و بومی شدند. در دوره شاه عباس کبیر حکومت صفوی توجه اساسی به مناسبات با قدرت‌های حاضر در خلیج فارس داشت که پیامد آن آزادسازی هرمز و افزایش سهم ایران در امور اقتصادی و تجاری خلیج فارس بود. پس از شاه عباس و در دوران متأخر صفویه، مناسبات ایران در خلیج فارس دگرگون گردید. در این دوره کمپانی‌های تجاری غربی، راه و روش پرتغالی‌ها در این ناحیه را تداوم بخشیدند. مناسبات حکومت صفویه با این کمپانی‌ها بر مبنای تحمیل شرایط آنان بر ایران بود که از قدرت نیروی دریایی‌شان ناشی می‌شد. نادر شاه پس از آزادی ایران از یوغ بیگانگان، جایگاهی ویژه را در برنامه‌های خود به مسأله اقتصاد و تجارت اختصاص داد؛ به همین دلیل، توجهی خاص به خلیج فارس نمود. هدف او در خلیج فارس، علاوه بر بهره‌وری از منافع اقتصادی احیاء و تشبیت حاکمیت ایران در این

ناحیه بود و به واقع نادر شاه به کنترل سیاسی، نظامی و اقتصادی در خلیج فارس می‌اندیشید. پس در راستای تحقق اهدافش، به مناسبات با قدرت‌های خارجی در خلیج فارس پرداخت. روابط ایران با کمپانی‌های تجاری اروپایی در خلیج فارس که به عنوان مجری سیاست‌های دول خود بودند، بر مبنای منافع متقابل و بهره‌وری از قدرت اقتصادی و توان آنان در راستای ایجاد نیروی دریایی بود. نادر شاه ضمن تجدید امتیازات سابق آنان، موفق به مهار این کمپانی‌ها نیز گردید. اتخاذ این شیوه از سوی نادر شاه، باعث رونق اقتصادی بنادر ایرانی و احیای حاکمیت ایران بر کرانه‌های خلیج فارس شد. به نظر می‌رسد که نادر شاه با چنین سیاست‌ها و اقداماتی در جهت ایجاد یک امپراتوری گام برمی‌داشت و برای رسیدن به اهداف خود، به تأسیس ناوگان دریایی اقدام نمود. قتل نادر شاه موجب توقف مناسبات سیاسی افشارها با این قدرت‌ها و ایجاد بحران در خلیج فارس شد. پس از قتل وی، رقابت میان مدعیان جانشینی و سپس دیگر گروه‌های قدرت‌طلب، باعث بی‌توجهی به خلیج فارس گردید. به همین دلیل با قتل نادر شاه، حاکمیت ایران بر کرانه‌های خلیج فارس تضعیف گشت و نیروهای تمرکززدا در مناطق مختلف خلیج فارس به قدرت رسیدند. همچنین روند تداوم فعالیت ناوگان دریایی ایران نیز متوقف شد و این مسأله که پس از سال‌ها در اندیشه و عمل یکی از شهروندان ایرانی شکل یافته بود، به فراموشی سپرده شد. قدرت‌های محلی نیز با تصرف بخشی از ناوگان دریایی نادر شاه، سعی در افزایش قدرت خود داشتند. در این دوره، قدرت‌های حاضر در خلیج فارس، مناسبات خود را با حکام محلی توسعه دادند و با گسترش ناامنی، روند تجارت و مناسبات اقتصادی به سود بنادر عربی مانند بصره و مسقط شد و کانون‌های تجاری ایران در خلیج فارس از جمله بندرعباس دچار رکود شدند. با وجود آن، به دلیل اقدامات اساسی و هدفمندی که نادر شاه پیش از آن انجام داده بود و همچنین تلاش برخی حکام محلی، روند رونق نسبی تعدادی از بنادر ایرانی مانند بوشهر و رشد شهرنشینی در کرانه‌های خلیج فارس بر خلاف نواحی داخلی ایران تداوم یافت.

منابع و مأخذ

فارسی:

- آل احمد، جلال، ۱۳۷۶، جزیره خارک در یتیم خلیج فارس، تهران: مجید.
- استرابادی، میرزا مهدی‌خان، ۱۳۷۷، *جهانگشای نادری*، به اهتمام: سید عبدالله انوار، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- اسدپور حمید و حسین اسکندری، ۱۳۹۴، *کاپیتولاسیون در عهد صفوی*، تاریخنامه خوارزمی، شماره دهم، تهران: دانشگاه خوارزمی.
- اسدپور، حمید، ۱۳۹۲، *جنبش ملی بنادر و جزایر خلیج فارس علیه اشغالگران پرتغالی*، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۷۹، تهران.
- _____، ۱۳۸۷، *تاریخ اقتصادی و سیاسی خلیج فارس در عصر افشاریه و زندیه*، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- اقبال آشتیانی، عباس، ۱۳۲۸، *مطالعاتی در باب بحرین، جزایر و سواحل خلیج فارس*، تهران: مجلس شورای ملی.
- العابد، محمد صالح، ۱۹۷۶، *دورالقواسم فی الخلیج*، بغداد: جامعه بغداد.
- امین، عبدالامیر، ۱۳۷۰، *منافع بریتانیا در خلیج فارس*، ترجمه: علی رجبی یزدی، تهران: امیرکبیر.
- بازن، پادری، ۱۳۶۵، *نامه‌های طبیب نادرشاه*، ترجمه: علی اصغر حریری، تهران: شرق.
- جلالی، نادره، ۱۳۸۷، *میسیونرهای مذهبی پرتغالی در ایران در عصر صفوی*، مجموعه مقالات خلیج فارس، به کوشش: محمد باقر وثوقی، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- ۱۳۸۴، *جنگنامه کشم و جرون نامه*، به تصحیح: محمد باقر وثوقی و عبدالرسول خیراندیش، تهران: میراث مکتوب.
- رائین، اسماعیل، ۱۳۵۶، *دریانوردی ایرانیان*، تهران: جاویدان.

- سدیدالسلطنه، محمد علی خان، ۱۳۷۰، *تاریخ مسقط، عمان، بحرین و قطر*، به تصحیح: احمد اقتداری، تهران: دنیای کتاب.
- سلمان، حمید محمد، ۲۰۰۱، *الغز و البرتغالی لجنوب العربی و الخلیج فی الفتره ما بین ۱۵۰۷-۱۵۲۵ م.*، امارات، العین: مرکز زاید للتراث و التاریخ.
- سلوت، ب. ج، ۱۹۹۳، *عرب الخلیج*، ترجمه: عایده فاخوری، ابوظبی.
- شعبانی، رضا، ۱۳۶۵، *تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه*، جلد اول، تهران: نوین.
- فلسفی، نصرالله، ۱۳۹۲، *زندگانی شاه عباس اول*، ج ۲، تهران: نگاه.
- فلور، ویلم، ۱۳۶۸، *حکومت نادرشاه*، ترجمه: ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- _____، ۱۳۷۱، *هلندیان در جزیره خارک*، ترجمه: ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- _____، ۱۳۷۰، *اختلافات تجاری ایران و هلند*، ترجمه: ابوالقاسم سری، تهران: توس.
- قائم مقامی، جهانگیر، ۱۳۶۹، *اسناد فارسی، عربی و ترکی در آرشیو پرتغال در مورد هرمز و خلیج فارس*، مجموعه مقالات خلیج فارس، تهران: وزارت امور خارجه.
- کرزن، لرد جرج، ۱۳۷۳، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه: غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- کروسینسکی، ۱۳۶۳، *سفرنامه کروسینسکی*، ترجمه: عبدالرزاق بیگ دنبلی، به تصحیح: مریم میراحمدی، تهران: توس.
- کریستال، جیل، ۱۳۷۸، *نفت و سیاست در خلیج فارس*، ترجمه: ناهید سلامی و شاپور جورکش، تهران: تاریخ معاصر ایران.
- گرمون، استفان رای، ۱۳۷۸، *چالش برای ثروت و قدرت در جنوب ایران*، ترجمه: حسن زنگنه، قم: همسایه.
- لوریمر، ج. ج، ۱۹۷۱، *دلیل الخلیج، القسم الثانی*، جزء الاول، قطر: مکتبه امیرالدوله قطر.
- مرعشی صفوی، میرزا محمدخلیل، ۱۳۶۲، *مجمع التواریخ*، به تصحیح: عباس اقبال آشتیانی، تهران: سنائی.

مروی، محمد کاظم، ۱۳۶۴، *عالم آرای نادری*، به کوشش: محمد امین ریاحی، تهران: کتابفروشی زوار.

نظامی، غلامحسین، ۱۳۸۳، *نقش بصره و بنادر کرانه‌های شمالی خلیج فارس در روابط ایران و عثمانی*، بوشهر: بوشهر.

نوایی، عبدالحسین، ۱۳۷۷، *روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه*، تهران: سمت.

_____، ۱۳۶۶، *ایران و جهان از مغول تا قاجاریه*، تهران: هما.

وثوقی، محمدباقر، ۱۳۹۰، *تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار*، تهران: سمت.

ویلسن، آرنولد، ۱۳۶۶، *خلیج فارس*، ترجمه: محمد سعیدی، تهران: علمی و فرهنگی.

هدایتی، هادی، ۱۳۳۴، *تاریخ زندیه*، تهران: دانشگاه تهران.

هنوی، جونس، ۱۳۶۵، *زندگانی نادر شاه*، ترجمه: اسماعیل دولتشاهی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

لاتین:

A chronicle of Carmelites in Persia, 2 vols. 1939, London.